



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بخش نظری تاریخ

عبدالمجید معادیخواہ

تاریخ و فلسفه تاریخ در قرآن

بخش یکم - قسمت دوم

پیدایش و تحولات انسان

گروه‌های گوناگون آیات قرآنی را که به پیدایش انسان و پی آمدهای آن اشاره دارد، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد.
* طرح پیدایش انسان در سطوح برین هستی طنین می‌افکند و فرشتگان را بهت‌زده می‌سازد:

فهرست شماره ۱
شماره مسلسل ۵ موضوع: طرح آفرینش انسان در سطوح برین هستی و واکنش فرشتگان

شماره سوره	نام سوره	شماره آیات	جمع آیات	جمع تمام آیات در این زمینه
۲	بقره	۳۰-۳۴	۵	
۱۵	حجر	۲۸-۲۹	۲	۸
۳۸	ص	۷۱	۶	

* فرشتگان آسمان فرمان می‌یابند که در برابر آدم سر فرود آورند که موضع‌گیری ابلیس و سقوط وی را پی‌آمد دارد:

فهرست شماره ۲

شماره مسلسل ۶ موضوع: دستور سجده به فرشتگان و موضع‌گیری ابلیس

شماره سوره	نام سوره	شماره آیات	جمع آیات	جمع تمامی آیات در این زمینه
۲	بقره	۳۴	۱	
۷	اعراف	۱۱-۱۸	۸	
۱۵	حجر	۲۶-۴۴	۱۹	۴۱

۱۷	بنی اسرائیل	۶۳-۶۵	۳
۱۸	کهف	۵۰-۵۱	۲
۲۰	طه	۱۱۶	۱
۲۸	ص	۷۲-۷۸	۷

* آدم تأثیرپذیر از وسوسه‌های ابلیس به تخلف از فرمان خدا دچار می‌شود و از «شجره ممنوعه» می‌خورد که به هبوط وی می‌انجامد:

فهرست شماره ۳

شماره مسلسل ۷ موضوع: هبوط آدم، زمینه و فلسفه آن

شماره سوره	نام سوره	شماره آیات	جمع آیات	جمع تمامی آیات در این زمینه
۲	بقره	۲۵-۳۹	۵	
۷	اعراف	۱۹-۲۶	۸	
۲۰	طه	۱۲۰-۱۲۷	۸	۲۳

* به آدم پیش از هبوط و هم پس از آن در خصوص دشمنی ابلیس و ابلیسیان هشدار داده می‌شود:

فهرست شماره ۴

شماره مسلسل ۸ موضوع: هشدار به آدم در خصوص دشمنی ابلیس با انسان

شماره سوره	نام سوره	شماره آیات	جمع آیات	جمع تمامی آیات در این زمینه
۷	اعراف	۲۳-۲۶	۴	
۷	اعراف	۲۴	۱	
۱۸	کهف	۵۰	۱	
۲۰	طه	۱۱۷-۱۱۹	۳	۲۰
۳۵	فاطر	۵-۸	۴	
۳۸	ص	۷۹-۸۵	۷	

* آدم به توبه روی می‌آورد و توبه‌اش پذیرفته می‌شود و در جهت جبران هبوط به او توصیه می‌شود که دعوت پیامبران الهی را پاسخ مثبت گوید که در این صورت به هیچ اندوه و ترسی دچار نخواهد بود:

فهرست شماره ۵

شماره مسلسل ۹ موضوع: توصیه به آدم و آدمیان به پیروی از دعوت پیامبران

شماره سوره	نام سوره	شماره آیات	جمع آیات	جمع تمامی آیات در این زمینه
۲	بقره	۳۸	۱	
۷	اعراف	۳۵	۱	۲

* هبوط آدم با ستیز و تضاد در ملازمه است و به دست فرزندانش خونریزی و برادرکشی آغاز می شود:

فهرست شماره ۶

شماره مسلسل ۱۰ موضوع: اولین خونریزی و برادرکشی

شماره سوره	نام سوره	شماره آیات	جمع آیات	جمع تمامی آیات در این زمینه
۵	مائده	۳۲-۲۷	۶	۶

اشاره ای به نکاتی اساسی

در آیات مربوط به داستان آدم از آفرینش تا هبوط، نکته های قرآنی فراوان است که در این میان اشاره به چند نکته ضروری به نظر می رسد:

۱- در نگاه تاریخی قرآن، انسان محور است چنان که گویی سرآغاز تاریخ همان لحظه ای است که انسان رشد یافته با بار رسالت الهی به صحنه می آید و پیش از آن - که بسا میلیونها سال باشد - چندان مورد توجه نیست.

۲- راز ناشناخته هویت انسانی را در نفخه الهی باید جستجو کرد که از اینجا تفسیر عرفانی شخصیت و زندگی انسان جایگاهی ویژه می یابد.

۳- در این نگاه فلسفه بعثت، بازگشت انسان به موطن اصلی است، در حالی که با هبوط، انسان تبعیدی زمین به فراق و هجرانی خانمانسوز دچار است.

۴- پس از هبوط، انسان بر سر دوراهی حساسی قرار دارد که از يك سو ابلیس و ابلیسیان با جاذبه های مادی او را به سقوط می کشانند و از دیگر سو پیامبران به عروج فرا می خوانند و در این میان او باید خود انتخاب کند.

زاویه‌های پژوهش

زاویه‌های پژوهش در انسان‌شناسی قرآن بسیار است که اشاره به پاره‌ای از آنها را پایان‌بخش این بخش از بحث قرار می‌دهیم:

۱- آیا پیدایش انسان، مراحل طبیعی خویش را پس پشت نهاده و در یک تحول با نفخه الهی هویتی نو یافته و پذیرای بار سنگین رسالت الهی شده است؟ اگر چنین است، آنچه علم در مورد پیدایش انسان بدان دست یافته است، در حقیقت مربوط به تاریخ زندگی پدیده‌ای دو پا است که از مقدمات پیدایش انسان در چهره آدم به شمار می‌آید.

۲- آیا هبوط به مفهوم یک تحول درونی می‌تواند باشد که در اثر آن زندگی بیرونی آدم نیز دگرگونی یافته است؟ با پی‌گیری این پرسش بسا به نتیجه‌هایی دست یابیم که با ذهنیت کنونی بسیار فاصله دارد. در این صورت بهشتی که پیش از هبوط زیستگاه آدم بوده است نیز به گونه‌ای دیگر تفسیر خواهد شد.

۳- آیا سجده فرشتگان به آدم به مفهوم برتری انسان کامل بر فرشتگان است و آیا آدم مسجود تمامی فرشتگان بوده یا گروهی از آنان؟ با پی‌گیری این پرسش بسا بتوان جایگاه انسان کامل را در نگاه قرآنی باز شناخت که با آنچه کوتاه‌فکران در این زمینه می‌اندیشند بسیار دارد.

اینک که بخش نخستین از بحث تاریخ و فلسفه تاریخ در قرآن را مرور کردیم، بجا است که بخشی از گفتار نخستین قرآن ناطق را از خورشید بی‌غروب نهج‌البلاغه، زینت بخش این اوراق سازیم:

سپس خدای سبحان شکافتن فضا و پاره پاره کردن جو را بی‌آغازید. پس آبی انباشته، خروشنده و پرفراز و فرود را - که بر تندبادی ابرشکاف و تندی جوشکن نشانده بود - در لابه‌لای آن فضای آشفته روان ساخت، با این فرمان که جریان آب را بازپس زند، که بر فشار سخت تندبایش چیره کرده بود. بدین سان آب و باد را هم‌مرز ساخت؛ به گونه‌ای که در زیر هوای آزاد بود و بر فراز آب پرچنب و جوش.

آن‌گاه خداوند، بادی دیگر بیافرید که وزش آن را عقیم و حرکت سازنده‌اش را مداوم ساخت، بادی که وزش آن تند و خاستگاهش دور بود. این باد دیگر را وظیفه جز از این نبود که آب انباشته را برآشوبد و موج دریاها را برانگیزد. در اجرای این فرمان الهی، دریاها را چونان مشک برهم می‌زد و آب را به فضا می‌پراکند؛ چنان که آغازش به انجامش بازمی‌گشت و بخشهای خروشانش را بر

بخشهای راکد می ریخت. سرانجام، انبوهی آب سر به بالا کشید و کف برآورد. بدین سان، دست قدرت حق آن کف را در هوایی باز و آزاد و پهناور بالا برد و آسمانهای هفتگانه را از آن پدید آورد. پایین ترین بخشهایش را با امواجی ثابت و برترین رویه‌ی آن را در بلندای فضا به هیات آسمانه‌ای استوار برافراشت، بی‌ستونی که برپایش دارد و بی‌رشته‌ای که به نظمش درآورد. پس آن‌گاه با روشنای ستارگان و درخش شهابها، صفحه‌ی آسمان را آذین بست، و چراغی فروزان و ماهی تابان را، در فلکی گردان و سقفی شناور و پهنه‌ای آراسته به ستارگان، روان ساخت.

در دوران دیگری از آفرینش جهان، خداوند، آسمانهای فرازین را از درون شکافت و سرشار از فرشتگان‌شان ساخت. فرشتگانی گونه‌گون که گروهی - بی‌هیچ رکوعی - تنها سر بر سجده دارند؛ دو دیگر گروهی که - بی‌هیچ قیامی - در رکوعی مدام‌اند؛ سه دیگر گروه، صف به صف، قیام کنندگانی بی‌تزلزل و لرزش‌اند؛ و چهارمین گروه، تسبیح‌گویانی خستگی‌ناپذیراند که نه بر چشمانشان پرده‌ی خواب فرو می‌افتد و نه اندیشه‌هاشان به خطا می‌رود و نه خستگی به دژ تن‌هاشان راه می‌یابد، و نه آگاهیشان به غفلت فراموشی مبدل می‌شود. و دیگر گروه امانت‌داران وحی‌اند و میان خدا و رسولانش، پیام آور، و پیامبران کلام و سخن، و فروآورنده و فرا برنده‌ی قضا و امر او‌ی‌اند. و بخشی نیز، پاسداران خلق‌اند و نگهبانان درهای بهشت خداوند.

گروه ویژه‌ای از فرشتگان نیز، آنان‌اند که گام‌هاشان در پایین‌ترین سطوح زمین ثابت است و گردن‌هاشان از برترین سطوح آسمانها فراتر، یعنی در حقیقت، ابعاد وجودشان از اقطار این جهان بیرون است. (حرمت و افتخار) بر دوش گرفتن پایه‌های عرش الهی را این فرشتگان‌اند که نصیب برده‌اند. و چنین است که در محضر حق، چشمها را به زیر افکنده‌اند و از شرم بسیار، خود را در بالهای خویش فرو پیچیده‌اند. در حالی که میان آنان و فرشتگان فروتر از آنان، انواع حجابهای عزت و پرده‌های قدرت آویخته است. نه با ذهن نقش ساز، پروردگارش را بر پرده‌ی پندار می‌کشند و نه بر حضرتش پیرایه‌هایی می‌بندند که آفریده‌های او را فراخور است. نه در مکانها محدودش می‌کنند و نه با قیاس، آماج اشاره‌اش قرار می‌دهند.

سپس خداوند سبحان خاکهایی از بخشهای هموار و ناهموار و حاصل خیز و شوره زار زمین فراهم آورد. و آن همه را با آب درآمیخت تا پالوده شد و هیات گل چسبان یافت؛ سپس از آن گل چسبان، صورتی بیافرید با اندامها و اعضاها و مفصلهایی ویژه، چنانش خشکاند و بر سختیش افزود که سفال گونه شد، و تا دورانی معلوم و زمانی معهود رهاش کرد. سپس از روح خویش در آن دمید تا هیات آدم گرفت، با ذهنهایی که به جولانشان درمی آورد، اندیشه هایی که تصرفاتش را ابزار کاراند، اندامهایی که در خدمت اویند، ابزاری که به کارشان می گیرد و نیروی شناخت حق و باطل و نیز توان مرزگذاری طعمها، بوها، رنگها و جنسهای گونه گون!

معجون شگفت با سرشتی متضاد از رنگهای مختلف و شباهتهایی همگرا و عنصرهایی هم ستیز و مزاجهایی متباین، از گرمی و سردی و خشکی و تری و بدحالی و خوشحالی!

آن گاه خداوند سبحان از فرشتگان خواست که به پیمان خویش عمل کنند و بر وصیت الهی گردن بگذارند و در برابر کرامت انسانی، به نشانه‌ی خضوع و خشوع، سجده آورند. پس به آنان گفت: «در مقابل آدم به سجده درآیید!»^۱ تمامی فرشتگان به سجده افتادند، به جز ابلیس که عنصر خویش برتر پنداشت و شقاوت بر او چیرگی یافت. جوهر اثیری را بهانه‌ی فخرفروشی ساخت و از سفال آفریده را پست شمرد... و خداوند مهلتش داد تا هرچه بیشتر خشم را سزاوار گردد و پیمانهای آزمونش لبریز شود، و وعده‌ی حق تحقق پذیرد. آن گاه فرمود: «تا آن روز و هنگام شناخته شده، از مهلت یافتگانی»^۲.

سپس خداوند، آدم را در سرایی جای داد که ابزار زندگی را کامل و جایگاهش را ایمن ساخته بود. و او را در خصوص ابلیس و دشمنی ریشه دارش هشدار داد. اما سرانجام ابلیس - که بر آدم، به سبب زندگی در سرای جاودان و همدمی با نیکان، رشک می برد - به دام فریض افکند. یقین او را به شك، اراده‌ی نیرومندش را به سستی و در نهایت، نشاط وی را به دلهره و ترس، بدل کرد. با

۱. قرآن کریم، سوره‌ی ۲، آیه‌ی ۳۴.

۲. قرآن کریم، سوره‌ی ۱۵، آیه‌های ۳۷ و ۳۸.

فربیکاری ابلیس، آدم، به دام پشیمانی فرو افتاد.
با این همه خداوند سبحان در توبه به روی آدم گشوده گذاشت (و فرصتش داد) تا از آن تنگنا و بن بست گریزگاهی بیابد و راه نجاتی بجوید. و کلمه‌ی رحمتش را به او آموخت و بازگشتش را به بهشت وعده فرمود. پس، او را به سرای گرفتاری و آزمون و دنیای زاد و زایش فرود آورد.*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی